

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

فرستنده : جهانگیر

یوسف زرکار

شهریور ۸۸

یاد واره چریک فدائی خلق

رفیق یحیی رحیمی



در عمر سراسر سیاه و ننگین رژیم جمهوری اسلامی که مملو از سرکوب و جنایت است ، مقاومت و پایداری توده ها و فرزندان مبارز و انقلابی به ویژه در دهه ۶۰ ، جایگاه برجسته ای دارد. رژیم که از همان آغاز روی کار آمدنش خواسته و مطالبات مردم را با گلوله پاسخ می داد، از ۳۰ خردادسال ۶۰ به منظور سرکوب هر چه وسیعتر توده ها و محروم ساختن آنان از آگاهی، تشکل و سازمانیابی ، کمر به نابودی سازمان های سیاسی و قلع و قمع کردن مبارزین و انقلابیون بست. رژیم(با تمامی جناح هایش) برای سرکوب و ایجاد جو رعب و وحشت ، با گشتی هایش به دستگیری های وسیع خیابانی دست زد و بسیاری را به زندانها کشاند و پس از شکنجه های وحشتناک به جوخه های اعدام سپرد.

این رژیم دار و جنایت نه تنها به کشتار وسیع و تیر باران ها در اوین و شهرستان ها دست زد ، بلکه عامدانه و در مسیر پیشبرد اهدافش ، روزانه و مستمر به درج اسامی مبارزین و انقلابیون کشته شده در روزنامه هایش مبادرت میکرد . رفیق یحیی رحیمی که یکی از کادرها و سمبل های مبارزه در راه آزادی و سوسیالیسم بود، نیز در این برهه تیرباران و نامش در روزنامه ها درج گردید.

رفیق یحیی رحیمی متولد قصر شیرین و در کرمانشاه معلم بود. هنوز خاطره برخوردهای انسانی و انقلابش در اذهان شاگردانش پا برجاست. وی در سال ۵۰ در رابطه با جریان فدائی دستگیر شد. زندان قزل قلعه و شکنجه های ساواک را تجربه کرد. مقاومت مستحکم و پایداریش موجب شد تا با محکومیتی کوتاه مدت زندان را سپری کرده و به جامعه باز گردد. رفیق یحیی بار دیگر در سال ۵۲ دستگیر گشت و مدت ۲ سال را در سلولهای انفرادی گذراند. مقاومت قهرمانانه وی در "کمیته مشترک" و تحمل قریب به ۳ ماه "جیره شلاق" زبانزد همه زندانیان سیاسی بوده و هست. نمونه ای از آن، توصیفی است که رفیق عباس سماکار در کتاب "من یک شورشی هستم" از رفیق یحیی به دست میدهد. وی مینویسد:

"او واقعا انسان مقاومی بود و وقتی از پرونده اش و کتک خوردنش تعریف میکرد، میدیدم که آرزوی من است که شجاعت او را میداشتم و مانند او انسان قاطعی بودم." رفیق یحیی تنها از این منظر برجسته نبود، بلکه نرمش همراه با حفظ اصول، روحیه جمعی و فداکاری، درک شرایط افراد و یاری دادن به آنها برای ارتقاء سطح مبارزاتی شان و یاد گرفتن و یاد دادن، از دیگر خصائل برجسته وی بود. زندانیان سیاسی زمان شاه در سال ۵۵ به یاد دارند که چگونه وی از دو زندانی سیاسی که ناراحتی روانی داشتند - یکی دانشجوی دارو سازی و دیگری معلم - در مقابل پلیس حمایت کرده و آنان را یاری میداد. به یاد دارند که چگونه در اجرای مراسم اول ماه مه و گرامیداشت روز سیاهکل در زندان، در بسیج و سازماندهی زندانیان مبتکر بود و نقش فعالی داشت. وی که از معتقدین و مدافع مشی مسلحانه رفیق مسعود احمد زاده بود، با متانت و استوار از آن دفاع کرده و تبلیغ میکرد. سماکار مینویسد:

"یحیی هوادار مشی چریکی و پیرو خط احمدزاده بود و با شدت تمام از مشی چریکی دفاع میکرد و حاضر بود برای آن بسختی بجنگد." رفیق یحیی واقعا "تاریخچه متحرک" سیر تکوین، عملیات ها و زندگینامه رفقای جان باخته "سازمان چریکها" بود. اوج مبارزه و مقاومت و فداکاری رفیق یحیی اعتصاب غذای ۸۶ روزه به همراه رفیق عباس سماکار در بند سیاسی زندان کرمانشاه بود که انعکاس وسیعی یافت و در ارتقاء مبارزات مردم و به ویژه خانواده های زندانیان سیاسی نقش بسزایی داشت و هنوز در خاطره ها باقی است. آنان بعد از ۸۰ روز اعتصاب غذای تر، مدت ۶ روز نیز به اعتصاب غذای خشک دست زدند و دو بار رگ دستهایشان را زدند و سر انجام با به زانو در آوردن زندانبانان به خواست هایشان و من جمله انتقال به زندان تهران دست یافتند. این تقریباً همزمان بود با خروش ملیونی توده ها که خواست "آزادی کلیه زندانیان سیاسی" را فریاد میزدند. در پرتو این خواست توده هابود که رفیق یحیی در اوایل آذر [قوس] ماه سال ۵۷ از زندان آزاد شده و از طرف توده ها در آغوش کشیده شد.

رفیق یحیی رحیمی در شرایط بعد از قیام در رابطه مستقیم و یا غیر مستقیم با دفاتر و ستاد های "سازمان چریکها" قرار گرفت و به تلاشهای مبارزاتی اش تداوم بخشید. به ویژه سخنرانی هایی را در کرد غرب، کنگاور - که در آن سران ارتش شاهنشاهی به خدمت ارتش جمهوری اسلامی در آمده را معرفی و افشاء نمود - و صحنه - طی برنامه هفتگی در یکی از دبیرستانها - در دفاع از مبارزات کارگران و زحمتکشان و خط مشی انقلابی فدائی ابراد کرد. وی ضمن فعالیت در سازماندهی و آموزش جوانان طرفدار جنبش فدائی، به تماس با رفیق جلال فتاحی و دیگر همفکرانشان ادامه میداد. وی نیز معتقد بود که عدم مبارزه ایدئولوژیک فعال درون سازمانی موجب اشاعه نظرات

رفیق جزنی و انحراف نظری "سازمان چریکها" شده است. به علاوه نسبت به روابط و مناسبات سانترالیزه دید انتقادی داشته و بر مناسباتی دمکراتیک و مبارزه ایدئولوژیک فعال و هدفمند باور داشت. تلاشها و گفتگوی برخی افراد از جریان "چریکهای فدایی خلق" به منظور تفاهم و نزدیکی بیشتر با آنان راه به جایی نبرد و علت آن مواضع مندرج در "مصاحبه با رفیق اشرف دهقانی" بود. این رفقا به مواردی مانند: دولت وابسته، اینکه مسعود و بیژن هردو هوادار مشی مسلحانه اند، و پایه نقشی که "مصاحبه" برای پرولتاریادر نظر گرفته بود، انتقاد داشتند و به ویژه برخورد نادرست و غیر اصولی پیرامون چگونگی نظر خواهی از آنان در مورد "مصاحبه" مذکور نیز مزید بر علت شد و آنان را بر مواضع خود راسختر نمود. این رفقاء به همراه دیگر همفکرانشان تشکل نو پائی را به نام (هسته های هوادار مشی انقلابی فدائی) شکل دادند و در طی فعالیتشان در سالهای ۵۸-۶۰ جزواتی را نیز به همین نام منتشر کردند. آنان تشکیل هسته های سیاسی- نظامی مستقل و خودکفای را مبنای سازماندهی قرار دادند و شورای هسته ها می بایست بر اساس استراتژی مبارزه مسلحانه، وظایف تاکتیکی را تدوین و ارائه نماید و هر هسته ای به طور مستقلانه و متکی بر توانائی و امکانات خود در پیشبرد و انجام آن وظایف تاکتیکی تلاش نماید. این نوع برداشت و سازماندهی تلاشی راه جویانه در شرایط بعد از قیام با چشم انداز بازگشت اختناق همه جانبه بود. و همچنین تلاشی برای شکل دهی تشکلی از پایه و پائین براساس مناسباتی مبتنی بر مرکزیت - دمکراتیک واقعی بود. این رفقاء در ادامه فعالیتهای انقلابی شان دچار ضربات جبران ناپذیری شدند. رفیق یحیی رحیمی در نهم تیرماه سال ۶۰ دستگیر گشت و بعد از تحمل شکنجه های وحشیانه و مقاومتی قهرمانانه - هم چنانکه در زندان های رژیم شاهنشاهی رفتار کرده بود - و با سری افراشته در سحر گاه ۲۲ تیر ماه سال ۶۰ در محوطه زندان اوین به دست پاسداران جنایتکار جمهوری اسلامی تیر باران گردید و پیکرش در خاوران به خاک سپرده شد. وی با اعتقاد به مشی مسلحانه و عمل کردن بدان "چریک فدائی خلق" بودن را با خون خود رقم زد. رژیم جمهوری اسلامی خبر این جنایت را از رادیو کرمانشاه اعلام کرد. به علاوه براساس سیاست جار زدن اعدامها و جنایات برای ایجاد رعب و وحشت در جامعه که در پیش داشت، روزنامه کیهان رژیم نیز، در همانروز با عنوان "۱۲ ضد انقلاب تیر باران شدند"، اطلاعیه بیدادگاه انقلاب اسلامی مرکز، همراه با ارجیفی در باره رفیق یحیی - این شخصیت محبوب توده های منطقه - را درج کرد.

بدین ترتیب این انقلابی راستین و پیشتاز مبارزات توده ها، در راه آزادی و سوسیالیسم جان باخت. یادش گرامی باد.